از بامداد تا شام روزه دارند عارفان از اول عمر تا آخر صایم باشند یکی بمجلس شبلی درآمد و درویشان طعام میخوردند شیخ
گفت بیا با یاران موافقت کن گفت روزه دارم شبلی گفت آن نیکو باشد که روزه ابد داری مرد پرسید که این چگونه باشد
شبلی گفت اگر همه عمر خویش را یکروز سازی و دران روز از اغیار روزه داری العمر کله یوم ولنا فیه صوم روزه که از غیر باشد
جز بدیدار یار نتوان گشود و صوموا لرؤیته و افطروا لرؤیته اهل حدیث برؤیت ماه تاویل کنند و انجا که حدیث اهل دلست این معنی از و
حاصلست که چون حق را بدیدید سر دیدید از اغیار روزه گیرید و تا در بهشت نیابید و او را بدیده سر نپیچید روزه مگشایید
ای عزیز در تفسیر منیر آورده که روزه داران سه گروه اند اول صایم که بطعام و شراب نگراید دوم قایم که از طاعات نیاساید
سیم هایم که جز بخدای نیاید صایمان از صبح تا شام روزه دارند انگاه از رنج برهند و راحت اکل و شرب یابند قایمان از زمان
بلوغ تا وقت مرگ روزه دارند انگاه از محنت دنیی خلاص یافته بلذت عقبی رسند اما روزه هایمان از وقتی است که درد
حق در سر ایشان فرود آید و از اسرار ربوبیت ایشان را خبردار سازد تا آن روز که هنگام دیدار باشد ایشان را محل افطار بود و در شارح
آورده که عوام از ابتدای طلوع صبح تا غروب شمس صایم باشند و خواص از ابتداء لمعان آثار صبح ازل تا وقت ظهور علامات
ابد از ماسوی روزه گیرند در اخبار صوفیه آمده که مرقع پوشی در کوچه میگذشت حرارت عطش بر باطنش استیلا یافته بدر خانه
رسید و آواز داد که قدحی آب از حوض کوثر که میخرد و بشربتی آب خنک که حالا بدرویشی خشک لب تشنه جگر دهد
از اهل آنخانه با خود اندیشه کرد که عجب تجارتیست این معامله من بکنم برخاست و قدحی آب بیرون آورده بسایل داد
و چون درزی درویشان و تلبس بکسوت ایشان دید از روی تعجب بر زبان راند که واعجبا فی ید شرب بالنهار این تیر
تیری بود که از شست قضا و قدر بر جگر درویش آمد قدح از دستش بیفتاد و نذر کرد که بقیه عمر بروزه صرف کند ساقی
الطاف متعال قدحی شراب زلال در کام جان صوفی ریخت تا مست مشرب وصال شده از مشرب آب فراموش
کرد   آن تشنه را که ساقی لطف تو آب داد   از جام خضر و چشمه حیوان نکرد یاد   اعیاد درویش شارب صایمان
متفاوتست اگر از طعام روزه داشت فردا شربت سلسبیل و شراب زنجبیل دهندش و اگر از ذنوب و آثام امساک کرد جام
رحیق و ساغر تسنیم در ریاض نعیم برکف نهندش و اگر از فکر انام و ملاحظه خاص و عام صایم بود شراب طهور در جام نور بر
دست ساقی محبت بدو فرستد و سقیهم ربهم شرابا طهورا بیت از آب حوض دنیی لب تر نکرد صوفی : بر بوی آن شرابی کو را خدا خورد
ومن کان منکم مریضا   و هر که بیمار باشد او علی سفر یا در سفر بود و افطار کند فعدة من ایام اخر پس بر وست
قضاء آن روزه بعدد آن روزها از ایام دیگر چون تخییر مقیم بحکم این آیه منسوخ شد تخییر مسافر و بیمار را باز آورد تا معلوم شود
که ایشان را رخصت افطار باقیست محققان گویند سفر و مرض مشقت اند و روزه مشقتی دیگر است حق تعالی از کرم
نخواهد که بنده را دو مشقت باشد در دنیی پس از وفور رحمت کی روا دارد که در آخرت بچندین مشقت مبتلا گرداند
یرید الله میخواهد خدای بکم الیسر بشما آسانی ولا یرید بکم العسر و نمیخواهد بشما دشواری بنگر که درین آیت مراد از

و الطاف جبار کرد اول بکرامت ترا نداء کرد و با بیان گواهی داد که یا ایها الذین آمنوا و فرض کردن روزه را برین امت با فرض کردن
بر امم سابقه مقترن ساخت تا نفوس از اختصاص بدان کوفته نگردد و وجه حکمت روزه که حصول تقویست بیان فرمود لعلکم تتقون اگر روزه
نبودی حصول تقوی برین وجه وجوه نگرفتی و روزه را بروزی چند تخفیف گردانید ایاما معدودات که اگر همه سال بودی مشقتی عظیم بودی
و روزه را خاص گردانید بدان ماه و شب تا کار بر بندگان آسانتر باشد مخصوص ساخت روزه بماه شریف رمضان که محل
نزول قرآنست تا ثواب بیشتر بود و مسافر و مریض را رخصت افطار روا داشت تا حال ایشان بسختی نگذرد ولتکملوا العدة و بخواهد
که شما شمار روزهای رمضان را تمام کنید یا ایامی را که بعذر بیماری و سفر افطار کرده اید یا ارکان اسلام را بعدد پنج که نهایت
بشمارید ولتکبروا الله و تا بزرگی یاد کنید خدای را یا تکبیر گویید از شب فطر در وقت رویت هلال تا روز و از اول نماز تا وقت
نماز عید علی ما هدیکم بر انکه راه نمود شما را بصوم یا بکیفیت قضا ولعلکم تشکرون و مگر شما شکر گویید بر نعمت تیسیر و رخصت
یا بر ایجاب ثواب ای عزیز چون صوم نفس را مستعد قبول انوار عرفان میسازد پس اوصاف کدورات را ... باشد از مقام
قدس کشف قناع کند از وجه انس آن مرتبه قربست و از ان حال بر نمونه الحضرت و اذا سألك عبادي پرستاران یا محمد عبادی
عنی بندگان من از صفت من یا از معامله من با ایشان در وقت دعا فانی قریب پس من نزدیکم بعلم و اجابت این آیه
وقتی نازل شد که بعضی از صحابه پرسیدند که یا رسول الله خدای خود را چگونه بخوانیم یا سوال کردند که این ربنا یا اعرابی استفسار
کرد یا نبی الله خدای من نزدیکست تا با وی راز گوییم یا دور است تا او را باواز بلند ندا کنیم یا یهود گفتند ای محمد زعم تو آنست
که میان ما و آسمان دنیا پانصد ساله مسافتست و عرض هر آسمانی همین مقدار باشد پس خدای ما چگونه شنود دعای ما یا در اول که حکم
صوم نازل شد بعد از نوم ... مفطرات حرام بودی و از بعضی صحابه آن حال صورت وقوع یافت و از کیفیت توبه و رجوع بحق سوال
کردند راوی گوید چون این آیه آمد که ان رحمة الله قریب من المحسنین عاصیان باتش حرمان میسوختند که چون رحمت حق نزدیک
بنیکوکارانست پس ما سیاه نامکان تباه کار را این آیه آمد که اگر رحمت من بابرار نزدیکست من به بندگان امیدوار نزدیکم ای عزیز
آنچه نکته ایست مضمونش آنکه اگر علت بیمار اندکست او را شربتی که طبیب بدو فرستد کافیست و اگر مرض بیشتر باشد حضور طبیب
شرطست تا بوجود تشخیص مرض نموده در رفع آن غایت جهد مبذول دارد انجا که مطیع را شربتی از رحمت کفایت میکرد ان رحمة الله
قریب اما چون علت عاصی بسیارست و جز بحضور طبیب غایت علت او زایل نگردد لازم میبود که انی قریب و نزد علما
انی قریب تمثیل است مر کمال علم حق و اطلاع بر اقوال و افعال و احوال ایشان بکمال کسی که بر هر چه از وصد و سیاید مطلع بود و
یا تمثیل سرعت اجابت دعاست بصفت کسی که قریب المکان بود و کسی بدان حیثیت که چون بخواندش فی الحال جواب دهد
و مراد قرب ظاهر است بل قرب معنوی حقیقی که هیچ قرب را بدان قیاس نتوان کرد چه هر نوع قربی که در صفحه خیال صورت
پذیر شود حق سبحانه از ان اقربست و آدمی بواسطه اشتغال بعلایق کونی که سرمایه بعد و حرمانند از مشاهده آن قرب
محروم مانده چنانکه پیر رومی میفرماید بیت ز تو مشغول میشود دل بیهما ضمیرها : جز بنی ز قرب تو که تو از قرب قربی